

انتخاب کنید!

گردهمایی امروز هفت تیر سرکوب شد. گردهمایی هفت تیر سرکوب شد، چرا که به جای چند صد هزار نفر، تنها چند هزار نفر جمع کردند. درخواست آقای موسوی و کروبی، حرکت آرام و روشن کردن چراغ اتوموبیل‌ها بود. در شرایطی که همگان بر ضرورت تداوم تجمعات و خیزش عمومی و حتی گسترش آن آگاه هستند، میرحسین موسوی و کروبی مدام سخن از آرامش و نرمش میرانند. در شرایطی که جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم ددمنش و سرکوبگر مورد تعرض وسیع جامعه جهانی قرار دارد، آقایان موسوی و کروبی همچنان در حال چانه زدن بر سر انتخابات هستند. در شرایطی که توحش و بیرحمی قوای امنیتی جمهوری اسلامی در مقابل دیدگان جهانیان قرار گرفته، آقای موسوی در بیانیه خود از مردم می‌خواهد تا به این جانیان همچون فرزندانشان برخورد کنند. در شرایطی که مردم و جوانان در تهران و شیراز و مشهد فریاد مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور سر میدهند، آقای موسوی و کروبی از خامنه‌ای می‌خواهند که «نظام اسلامی» را خدشه دار نکند.

جرقه شعله‌ور شدن این خیزش سراسری در مضحکه انتخابات زده شد. اما همگان میدانند که جانباختگان ما نه «شهدای تقلب انتخابات» بلکه جانباختگان راه آزادی و برابری هستند. اگر ده روز پیش فریادها با شعار «رای منو پس بگیر» آغاز شد، دیروز شعارها مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای بود. دیروز سیل جمعیت در شیراز فریاد می‌زد، «توپ، تانک، بسجی دیگر اثر ندارد». مردم انتخاب کرده‌اند، حال، این موسوی و کروبی هستند که باید انتخاب کنند. کارگران، جوانان و همه انسانهای آزادیخواه انتخاباتشان را کرده‌اند. این انتخاب به همه جهانیان اعلام شده. این انتخاب طی دو روز گذشته فضای رسانه‌ها و رایانه‌های سراسر جهان را تسخیر کرد. این انتخاب با شکفتن ندای آزادی، با شکفتن گل سرخی از سینه و دهان ندای جانباخته، جهان را شگفت‌زده کرد. به جهانیان نشان داد که خیزش توده‌ای ایران، فراتر از چانه‌زنی انتخاباتی سران نظام اسلامی است. یک واقعه کم اهمیت می‌تواند جرقه‌ای برای شعله‌ور شدن یک جنگ یا انقلاب باشد، بدون آنکه چنین واقعه‌ای علت واقعی آن باشد. شعله جنگ جهانی اول را تلاش ناموفق یک فرد نا هشیار برای ترور ولیعهد اطریش بپا کرد. علت واقعی جنگ اما در بحران نظام اقتصادی سیاسی آن زمان و شرایط ویژه بین‌المللی بود. هیچ محقق یا سیاست‌مداری علت جنگ جهانی اول را در ماجراجویی یک جوان در گوشه‌ای از دنیا قلمداد نکرده است. اما تاریخ گواه آن است که آن حادثه بهانه آغاز جنگی بود که همه مقدمات آن فراهم گشته بود.

جنبش کنونی، اگرچه به بهانه انتخابات آغاز گشت، اما جنبش انتخابات نیست. جنبش اعتراضی کنونی، جنبشی است بر علیه سی سال جنایت و سرکوب. جنبشی است بر علیه تحمیل یک زندگی نکبت بار به اکثریت عظیم جامعه. خادمین اصلاح نظام جمهوری اسلامی و احزاب تشنه اصلاح نظام سرمایه‌داری، چنین می‌پندارند که قیام کنونی، قیامی است برای بازی‌های مجدد انتخاباتی. نه هرگز چنین نیست.

اکنون تهران به یک منطقه بزرگ نظامی بدل شده و در سراسر ایران هر تجمعی مورد یورش اوباشان امنیتی قرار می‌گیرد. بیانیه‌های تهدید آمیز رژیم و برقراری حکومت نظامی اعلام نشده، نشان از هراسی دارد که در پس این قدرت‌نمایی نهفته است. طی هفته گذشته، هر تهدید و قدرت‌نمایی نظامی، در مقابل خروش سیل‌آسای به ستوه‌آمندگان از نظام اسلامی رنگ باخت. و در روزهای آینده نیز چنین خواهد بود. در روزهایی که این خروش همبسته از مناطق مرکزی شهر به تمام محله‌ها و کارخانه‌ها گسترده شود، در روزهایی که طبقه کارگر با خواباندن چرخ اقتصاد جامعه، دست به شاه‌رگ حیاتی نظام اسلامی ببرد. در روزهایی که نهادهای برخاسته از خیزش عمومی فرمان قهر انقلابی را صادر کنند. در چنین روزهایی دیگر قدرتی برای نمایش باقی نخواهد ماند. در روزهای آینده، میان احترام به این نظام و انزجار از آن، باید یکی را انتخاب کرد. میان سکوت، آرامش و تبدیل شدن به اهرم چانه زنی انتخاباتی و یا فریاد و پیشروی و پیروز شدن، یکی را باید انتخاب کرد. انتخاب کنید!

اصلاحات مرد، زنده باد انقلاب

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست